

تحلیل گفتمان انتقادی

Critical Discourse Analysis(CDA)

محسن گودرزی

وامدار مکتب فرانکفورت می‌دانستند و به طور مستقیم و غیرمستقیم از متفکرین دهه‌ی ۱۹۶۰ چون «گرامشی» و ساختارگرایانی چون «آلتوسر» بهره می‌گرفتند. امروزه مفهوم گفتمان و تحلیل انتقادی آن با نام فوکو همراه شده است.

تعریف:

تعاریف متنوع و گوناگونی از تحلیل گفتمان و رویکرد انتقادی آن صورت گرفته است و فهم صحیح این تعاریف جز با بررسی عناصر مورد تأکید این روش تحقیق میسر نیست. «شیفرین» و «استابز» تعریفی را از تحلیل گفتمان ارائه کرده‌اند که عبارتست از بررسی و مطالعه‌ی نظام فراجمله‌ای عناصر زبانی. همچنین همانطور که پیش از این آوردیم، امروزه تحلیل انتقادی را با نام فوکو می‌شناسند. از نظر وی گفتمان‌ها از علائم تشکیل شده‌اند. لیکن کارکرد آنها بیشتر از علامات که صرفاً به منظور نشان دادن و برگزیدن اشیا می‌باشد، است و این ویژگی باعث می‌شود تا نتوان آنها را به زبان، سخن و گفتار تقلیل داد. گفتمان امروزه بیانگر ویژگی و خصوصیات تاریخی چیزهایی است که گفته شده و چیزهایی است که هنوز درباره‌ی آنها سخنی به میان نیامده است. وی همچنین تأکید می‌کند که گفتمان‌ها مجسم کننده‌ی معنا و ارتباط اجتماعی‌اند و نیز اعمالی‌اند که به نحوی شکل می‌یابند که خود به سخن می‌آیند.

«کرس» عنوان می‌کند که سی.دی.ای با زبان به عنوان نوعی

شرایط و ضرورت‌های ظهور روش تحلیل گفتمان انتقادی:

تحلیل گفتمان روش بین‌رشته‌ای است که در اواسط دهه‌ی ۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۷۰ در پی تغییرات گسترده‌ی علمی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظامند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. این اصطلاح برای اولین بار در سال ۱۹۵۲م در مقاله‌ای از «زلیک هریس»، زبان‌شناس معروف انگلیسی بکار رفته است. وی گفتمان را دارای دو بعد می‌دانست: ۱. بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کاربرد آنها در متن (بعد زبانی) و ۲. رابطه‌ی میان متن و سطح فرهنگی، محیط و اجتماع (بعد غیر زبانی). تحلیل گفتمان بر نگرشی که شدیداً ضد علمی است و البته نه ضد تحقیقی پایه‌گذاری شده است.

تحلیل انتقادی زمانی ظاهر شد که ناتوانی تحلیل گفتمان توصیفی در ورود به بسیاری از حوزه‌ها و نگاه عمیق به آنها بیش از پیش خود را نمایان ساخت. از این‌رو ظهور این روش با متفکرین پست مدرن آغاز شد و در واقع اعتراضی نسبت به تحلیل گفتمان توصیفی بوده است. از جمله این متفکرین می‌توان به «فوکو»، «دریدا» و «پشو» اشاره کرد که تحلیل گفتمان را از سطح زبان‌شناسی خارج کردند و در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وارد کردند و از اینجا بود که تحلیل گفتمان حالتی انتقادی به خود گرفت. این گروه خود را بیشتر

فعال می‌سازند و تفسیر محصول ارتباط دیالکتیک این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای مفسر خواهد بود. البته بایستی توجه داشت که اصطلاح دانش زمینه‌ای نبایستی مانع از آن شود تا جنبه‌های ایدئولوژیک پیش‌فرض‌های عقل سلیم را فراموش کنیم. فرکلاف شش قلمرو عمده‌ی تفسیر را به دو بخش بافت متن و خود متن تقسیم می‌کند که شامل: بافت موقعیتی، بافت بینابینی، بافت متنی، ظاهر کلام، معنای کلام، انسجام وضعی و ساختار متن (جان‌مایه) برای خود متن می‌باشد.

۳. تبیین: هدف از تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ تبیین گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌کنند و نیز نشان دهنده‌ی آن است که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند. تأثیراتی که به حفظ و یا بازتولید آن ساختارها منجر می‌گردد.

در اینجا لازم است تا اندکی به نقش تحلیل‌گر اشاره کنیم. تحلیل‌گر در این میان وظیفه‌ی گسترش خودآگاهی در مورد ریشه داشتن گفتمان، در پیش‌فرض‌های عقل سلیم دانش زمینه‌ای را بر عهده دارد. از طرفی وی در وظیفه‌ی تبیینی گفتمان نیز دارای نقش ویژه است که البته به علت استفاده از نظریه‌های اجتماعی در منابع مورد استفاده‌اش کار به مراتب ساده‌تری دارد.

نوع و رویکرد روش تحلیل انتقادی گفتمان:

از نگاه فرکلاف، پایه‌های نظری رویکرد انتقادی بر این دیدگاه استوارند که بین رخداد‌های خرد و ساختارهای کلان، پیوندی ناگسستگی وجود دارد؛ چرا که ساختارهای کلان از طرفی شرایط تحقق ساختار خرد و از سوی دیگر نتیجه‌ی آن می‌باشند. از این‌رو تحلیل انتقادی گفتمان نمی‌پذیرد که بین ساختارهای خرد و کلان، مرزی دقیق و قابل انعطاف وجود دارد. و نیز رویکرد این روش بیش از آنکه رویکردی کمی باشد، کیفی است؛ چراکه به روابط موجود و توضیح بین آنها توجه می‌کند و به همین جهت است که روشی کیفی و توضیحی را برای بیان آنها برمی‌گزیند.

روش شناسی:

اگرچه سی.دی.ای گاهی اوقات فراموش می‌کند که روشی را ارائه دهد، لیکن توافق عمومی بر این است که روش‌های مورد استفاده در مطالعات گفتمان صریح و روشن علوم انسانی و علوم اجتماعی می‌تواند در تحقیقات انتقادی گفتمان مورد استفاده قرار گیرد. آنچنان که قادر است نگرش‌هایی را در نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی، سوء استفاده از قدرت یا سلطه بیان کند. این به آن معنا است که سی.دی.ای خود را به چارچوب خاصی از متن و یا گفتار محدود نمی‌کند، بلکه به طور

از تمرین اجتماعی در بین بسیاری از استفاده‌های بیانی و نشانه‌ای تعامل می‌کند. تجزیه و تحلیل‌های صریح و توصیف مواد خام زبان از فاکتورهای اصلی در تحلیل انتقادی می‌باشند. با این وجود شاید بتوان بهترین تعریف را برای تحلیل انتقادی گفتمان، تعریفی دانست که به روابط مورد بحث در این روش می‌پردازد. از این‌رو سی.دی.ای را می‌توان مطالعه‌ی چند رشته‌ای روابط پیچیده‌ی متن و شناخت اجتماعی، قدرت، جامعه، فرهنگ و ایدئولوژی دانست. تحلیل انتقادی گفتمان را نمی‌توان صرفاً شکل دیگری از تحلیل‌های آکادمیک دانست، بلکه روشی است که می‌تواند در تحقیقاتی که در چنبره‌ی زبان‌شناسی - گفتمانی سلطه گیر افتاده است نیز بکار رود. بخشی از کار ما این است که در پیدایش و گسترش آگاهی انتقادی نسبت به زبان، به مثابه عاملی برای سلطه مشارکت کنیم. البته لازم به تذکر است که تحلیل انتقادی هم در پی گفتمان‌های شفاهی و هم گفتمان‌های متنی (کتبی) است.

قابلیت‌ها، کارکردها و اهداف روش:

به عقیده‌ی «فرکلاف» هدف اصلی از تحلیل گفتمان انتقادی، تبیین کلی است و این با اهداف تحلیل گفتمان توصیفی که اهدافشان یا اصلاً غیر تبیینی است و یا فقط در محدوده‌ی موضعی حالت تبیینی پیدا می‌کند، به کلی متفاوت است.

سه عنصر اصلی گفتمان عبارتند از: متن، تعامل و بافت اجتماعی که در تحلیل انتقادی گفتمان لازم است تا بین سه مرحله‌ی توصیف متن، تفسیر رابطه‌ی بین متن و تعامل و تبیین رابطه‌ی بین تعامل و بافت اجتماعی تمایز قائل شویم:

۱. توصیف: آنچنان که پیش از این نیز ذکر کردیم، تحلیل انتقادی بیش از آنکه در پی اهداف توصیفی باشد، تبیینی است؛ لیکن این به معنای آن نیست که در رویکرد توصیفی نتوان نگاهی انتقادی در پیش گرفت. آنچنان که می‌توان در تحلیل متن واژگان، دستور و ساخت‌های متنی را مدنظر قرار داد و برای مثال روابط معنایی بین واژگان، ارزش‌های رابطه‌ای بین جملات دستوری و قراردادهای تعاملی ساخت سخن به میان آورد. در کارکرد توصیفی می‌بایست به تمایز بین ایدئولوژی و دانش توجه ویژه‌ای مبذول داشت. این بدان معنا است که تا هنگامی که از ابعاد ایدئولوژیک یک گفتمان آگاهی نداریم، احتمال آن می‌رود که همچون فاعلی غیرمتخصص، به صورت کاملاً ناآگاهانه در بازتولید ایدئولوژی گرفتار آییم. از این‌رو مفهوم ایدئولوژی برای درک علمی گفتمان، مفهومی کلیدی است.

۲. تفسیر: تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. از نظر مفسر، ویژگی ظاهری متن در حقیقت به منزله‌ی سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را



سیستماتیک آنها را به ساختارهای سیاسی - اجتماعی مرتبط می‌سازد. (Van Dijk) برای تحلیل انتقادی روزنامه، متغیرهایی نظیر واژگان، استعاره، کنایه، اغراق و بزرگنمایی و... را بکار می‌گیرد.

فصل‌ها و بخش‌های اصلی و فرعی:

برای تحلیل انتقادی گفتمان سه فصل کلی زیر را می‌توان در نظر گرفت:

۱. فصل اول: مقدمه متشکل از طرح مسئله، هدف‌های تحقیق، ضرورت و اهمیت موضوع
۲. فصل دوم: پیشینه تحقیق
۳. فصل سوم: چارچوب مفهومی و نظری تحقیق که در آن مفاهیم مختلف مطرح و نیز بنیان‌های نظری موضوع آورده می‌شود و در بخش پایانی آن جمع‌بندی چارچوب مفهومی و نظری آورده می‌شود.

شیوه‌ی عملیاتی کردن روش:

عبارتست از تعیین متغیرها جهت تحلیل متن و گفتمان. مسئله‌ی اصلی این است که تحلیل انتقادی گفتمان چگونه ادعاهای نظری خود را به ابزارها و روش‌های تحلیل مبدل می‌سازد. میانجی‌گری میان نظریه‌ها و مفاهیم کلان و موارد و مصادیق ملموس و عینی که هسته و کانون تحلیل در تحلیل انتقادی گفتمان را تشکیل می‌دهند، مورد تأکید است.

براساس این‌که کدام رویکرد بکارگرفته شود، روش برخورد متفاوت است و به عبارتی مقوله‌سازی متفاوت است. برای مثال «وان دایک»

نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان:

مسئله‌ی نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان همچون سایر روش‌های تحقیق بسیار مهم است. تا هنگامی که تحلیل‌گران گفتمان نمونه‌ی خود را چون اشیاء طبیعی می‌نگرند، یعنی تا هنگامی که تکه‌های گفتمان با بی‌توجهی یا کم‌توجهی به جایگاه آنها در قالب‌های نهادی‌شان مورد تحلیل قرار می‌گیرند، بی‌هیچ‌رویی نمونه‌گیری اصولی امکان‌پذیر نخواهد بود. تنها با رعایت برخی اصول است که می‌توان تعامل‌هایی را جهت گردآوری و تحلیل مشخص کرد. تعاملاتی که نماینده‌ی طیفی از صورت‌بندی‌های ایدئولوژیک-گفتمانی و رخدادهای کلامی و یا گره‌گاه‌های تعاملی که به ویژه از نظر تنش بین صورت‌بندی‌ها یا فاعلان اهمیت دارند. با این روش است که درک نظام یافته‌ای از کارکرد گفتمان در نهادها و نیز دگرگونی‌های نهادی میسر خواهد شد؛ و اما از این اصول می‌توان به مواردی چون: ۱. توصیف جامعه‌شناختی نهاد مربوطه، رابطه‌ی نهاد مربوطه با سایر نهادها در صورت‌بندی اجتماعی، رابطه‌ی بین نیروهای درون آن، ۲. توصیف نظم گفتمان در نهاد مورد نظر، توصیف صورت‌های ایدئولوژیک-گفتمانی آن و روابط مبتنی بر سلطه در بین آنها با توجه به پیوندهای بین موارد ۱ و ۲ و بالاخره ۳. توصیف قوم‌نگارانه‌ی هر یک از این صورت‌بندی‌ها اشاره کرد.

۵. مطالعات اجتماعی - شناختی: بیشتر کار انتقادی وان دایک در دهه‌ی ۱۹۸۰ بر بازتولید تعصبات قومی و راسیسم در گفتمان و ارتباطات متمرکز شده بود که با تجزیه و تحلیل‌های انتقادی اخبار آغاز شده بود.

۶. روش گفتمان - تاریخی: گروهی در وین با محوریت «روت وداک» (Ruth Wodak) که زبان‌شناسی اجتماعی بود و در سنت برشتاین (Bernsteinian) تربیت شده بود. وی خودش تحت تأثیر مکتب فرانکفورت خصوصاً «هابرماس» رویکرد تاریخی را در تحلیل انتقادی در پیش گرفت.

۷. مکتب دویسبورگ (Duisburg school): این مکتب عمیقاً تحت تأثیر «مایکل فوکالت» (Michel Foucault) قرار گرفته است. «جاگر» (Siegfried Jager) بر روی کاراکترهای زبانی و نشانه‌های متون متمرکز شده بود، نظیر علائم تجمعی (خانه، ماشین، مهاجران) آنچنان که نقش‌های پیوسته و مهمی در متون در اختیار دارند.

بازنمود گفتمان در گفتمان رسانه‌ها:

نحوه‌ی بازنمود گفتمان در گفتمان‌های رسانه‌ای را می‌توان با گرایش‌های مختلف در این حوزه توضیح داد. در یک سبک از کار که سبک غالب بازنمایی گفتمان است، گفتمان اولیه و گفتمان ثانویه کاملاً از هم متمایز هستند و در سبک دیگر در یکدیگر ادغام می‌شوند. منظور از گفتمان اولیه، گفتمان بازنمایاننده یا گزارش‌کننده و مقصود از گفتمان ثانویه، گفتمان بازنموده و یا گزارش شده می‌باشد. در وهله‌ی بعد هم‌پوشانی این تمایز در میان انواع بازنمایی‌ها، و به تعبیری بین معنای اندیشگانی (پیام) گفتمان ثانویه و معنای بینافردی (بیانی یا سبکی) وجود دارد. و دیگر اینکه تفسیر گفتمان ثانویه در بستر و زمینه‌ی گفتمان اولیه صورت پذیرد.

فرکلاف برحسب اینکه چه متن‌ها و یا انواع گفتمانی را با توجه به موضوع بازنمایی می‌توان با هم مقایسه کرد، پنج مؤلفه را مطرح می‌کند: شیوه، مرزبندی، سبک‌بندی، موقعیت‌مندی و زمینه‌ی بازنمایی.

در شیوه‌ی بازنمایی در واقع بین نقل‌قول مستقیم و غیرمستقیم تمایز قائل می‌شویم. در مرزبندی، عبارات (دامنه‌ای که صداهای گفتمان اولیه و ثانویه از هم مستقل می‌مانند و یا برعکس در هم ادغام می‌شوند) سنجیده می‌شود. در اینجا دو حالت را می‌توان در نظر گرفت؛ در حالت اول گفتمان ثانویه از طریق کلمات و دیگر تغییرات به صدای گفتمان اولیه تبدیل می‌شود و در حالت دوم گفتمان ثانویه بر گفتمان اولیه غالب می‌شود؛ یعنی آنکه صدای آن مستقیماً بر گفتمان اولیه تأثیر می‌گذارد. برای مثال این خبر که «تحلیل‌گران، احمدی نژاد را پیروز انتخابات می‌دانند»، در دو روزنامه با دو تیترو متفاوت «تحلیل‌گران

آنچه که در خصوص اصول نمونه‌گیری بیان شد، در پژوهش‌های مقایسه‌ای، در باب گفتمان بین نهادها نیز صادق است، منتها آنچه که می‌بایست در پژوهش‌های مقایسه‌ای بین‌نهادی به آن توجه داشت، مباحثی چون میزان درآمیختگی یا استقلال نهادهای اجتماعی در یک صورت‌بندی اجتماعی، تمرکزگرا بودن و یا تمرکزگریزی آنها، رتبه‌بندی نهادهای اجتماعی براساس اهمیتی که هر یک در کارکرد صورت‌بندی اجتماعی دارند و نیز این‌که چگونه رتبه‌بندی مورد نظر با تأثیرات یک نهاد بر نهاد دیگر ارتباط دارد.

کاربست‌های تحلیل انتقادی گفتمان:

کاربردهای سی.دی.ای را چه در علوم اجتماعی و چه در مطالعات حوزه‌ی علوم ارتباطات می‌توان از طریق رویکرد نظری-عملی ذیل بررسی کرد. در واقع کاربردهای تحلیل انتقادی گفتمان، براساس رویکردهای نظری‌ای که توسط افراد و گروه‌های مختلف در طول تاریخ تکامل این روش بکار گرفته شده است، مشخص می‌شود. لازم به ذکر است که شیوه‌های توصیف و تحلیل اطلاعات نیز براساس این رویکردها است که صورت می‌گیرد.

۱. تجزیه و تحلیل گفتمان فرانسوی: این روش بیشتر با کارهایی نظیر تئوری ایدئولوژی «آلتوسر» و تئوری گفتمان «فوکالت» (Foucault) شناخته می‌شود. در اینجا نکته‌ای کلیدی وجود دارد که زبان و ایدئولوژی به یکدیگر می‌پیوندند و تحلیل گفتمان، تحلیل ابعاد ایدئولوژیک استفاده‌ی زبان و نیز ساده‌گرایی در زبان ایدئولوژی است.

۲. زبان‌شناسی انتقادی: در دهه‌ی ۷۰ و در انگلستان گسترش یافت. این رویکرد تئوریک و عملی با تئوری زبان‌شناسی سیستماتیک پیوند بسیار نزدیکی دارد.

۳. معناشناسی اجتماعی: معناشناسی اجتماعی توجه خود را به کاراکترهای چند معنایی متون جوامع معاصر متمرکز می‌کند و راه‌هایی از تجزیه و تحلیل تصاویر بصری و نیز ارتباط زبان و تصاویر بصری را کشف می‌کند.

۴. تغییرات اجتماعی - فرهنگی: فرکلاف بر ارتباط بین تغییر اجتماعی - فرهنگی و تغییر استدلالی متمرکز شده است. در اینجا تحلیل گفتمان با نهاد دارای ارتباط تنگاتنگ است. نهاد همچون پدیده‌ای است که کنش اجتماعی اعضای خود را سهولت می‌بخشد و همزمان آن را محدود و مقید می‌سازد؛ از یک سو چارچوبی برای کنش آن فراهم می‌سازد که بدون آن نمی‌تواند دست به عمل بزند و از سوی دیگر آنان را مقید می‌سازد که درون آن عمل کنند. نهادها فاعلان ایدئولوژیک و گفتمانی خود را می‌سازند؛ یعنی آنکه نهادها قیود ایدئولوژیک و گفتمانی را به عنوان شرطی جهت احراز شایستگی برای عمل کردن در مقام فاعل به آنان تحمیل می‌کند.



می‌گویند شانس برای پیروزی رقیبان وجود ندارد» و «احمدی نژاد پیروز می‌شود»، گزارش می‌شود. در تیتراژ اول حالت اول را خواهیم داشت و در تیتراژ دوم گفتمان ثانویه را داریم که مستقیماً بر گفتمان اولیه تأثیر گذاشته است.

سبک‌بندی، دامنه‌ای را نشان می‌دهد که در آن معانی بین فردی و غیراندیشگانی گفتمان ثانویه بازنمایی می‌شود و موقعیت‌مندی، میزانی را نشان می‌دهد که بافت موقعیتی گفتمان ثانویه بازنمایی می‌شود. زمینه‌ی بازنمایی به دامنه و شیوه‌هایی مربوط می‌شود که در آن تفسیر خواننده/شنونده از گفتمان ثانویه به واسطه‌ی جایگاه آن در یک بافت متنی خاص کنترل می‌شود. طبق نظر فرکلاف در ۳۷ درصد مجموع گزارش‌ها، زمینه‌ی بازنمایی وجود دارد.

ارزیابی قابلیت‌های روش در مطالعات ارتباطی:

آنچنان که پیش از این کاربردهای روش را بیان کردیم، تحلیل انتقادی گفتمان قابلیت بازنمود ایدئولوژی، سطوح مختلف زبان‌شناسی، معناشناسی، تغییرات فرهنگی و اجتماعی، گفتمان سلطه، گفتمان تاریخی و... در مطالعات مختلف حوزه‌ی علوم اجتماعی خصوصاً مطالعات علوم ارتباطات را دارا می‌باشد. به عبارتی از این طریق می‌توان به ابعاد پیدا و پنهان پیام، نحوه و چستی تأثیرگذاری بر مخاطب، پیش‌فرض‌های فرستندگان پیام و حتی مخاطبان (آن زمان که به پیام پاسخ می‌دهند و کنش‌های مختلف را از خود بروز می‌دهند) دست یافت. براساس آنکه کدام رویکرد تئوریک را برگزینیم، نحوه‌ی تحلیل در مطالعات ارتباطی نیز متفاوت خواهد بود.

نقاط قوت و ضعف روش:

تحلیل انتقادی گفتمان یا همان سی.دی.ای مزیت‌ها و معایبی نظیر سایر روش‌های کیفی دارا می‌باشد. این روش از آنجایی که به ابعاد پنهان گفتمان نظیر ایدئولوژی و سلطه دست می‌یابد، نسبت به سایر روش‌های کیفی و روش‌هایی چون تحلیل توصیفی گفتمان، کارآمدتر و کاربردی‌تر است. نظر داشتن به عمق گفتمان و بازنمایی آن وظیفه‌ای است که تنها از عهده‌ی این روش برمی‌آید. از طرف دیگر و در کنار این مزیت و سایر مزیت‌ها، معایبی نظیر دخیل شدن پیش‌فرض‌های تحلیل‌گر در تحلیل گفتمان را می‌توان برشمرد. این مسئله خصوصاً در کارکرد توصیفی تحلیل گفتمان بیشتر نمود دارد. از این‌رو تحلیل‌گر می‌بایست هر چه بیشتر خودآگاهی‌اش را در تحلیل‌هایی که صورت می‌دهد حفظ کند. از طرف دیگر تحلیلی را می‌توان کارا و قابل اعتماد دانست که نگاهی چند وجهی را دنبال کند و از افتادن در تجزیه و تحلیل‌های یک رویکردی اجتناب ورزد. به عبارت دیگر توجه به تمامی ابعاد پیدا و پنهان گفتمان است که اعتبار تحقیق و نتایج آن را افزایش می‌دهد.

معرفی یک نمونه:

یکی از معروف‌ترین نمونه‌هایی که عموماً در کتاب‌ها عنوان می‌شود و پیرامون آن بحث می‌شود، مصاحبه‌ی «مارگارت تاچر» با رادیو بی.بی.سی و با مجری آن، «مایکل چارلتون» می‌باشد. براساس آنکه از چه اصول تئوریکی به این منظور استفاده شود، هشت رویکرد را می‌توان ذکر کرد که عبارتند از: ۱- گفتمان انتقادی برای مشکلات اجتماعی، ۲- روابط قدرت، ۳- گفتمان به منظور ساخت اجتماعی و فرهنگی، ۴- گفتمان به عنوان کار ایدئولوژیک، ۵- گفتمان تاریخی، ۶- ارتباط بین متنی و جامعه، ۷- تحلیل گفتمان به عنوان تفسیر و اکتشاف، ۸- گفتمان به عنوان شکلی از اقدام اجتماعی. این رویکردها را در هر تحلیلی می‌توان در نظر گرفت و براساس آنکه کدام یک از اصول مطرح شده در زیرعنوان کاربست‌ها را برگزینیم، نحوه و نوع تحلیل‌هایی که بدست می‌آوریم، متفاوت خواهد بود.

منابع:

۱. فرکلاف، نورمن؛ تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه جمعی از نویسندگان، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۲. مهدی‌زاده طالشی؛ بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
3. http://en.wikipedia.org/wiki/Critical_discourse_analysis
4. Dellinger, Brett; Critical Discourse Analysis, www.cnncritical.tripod.com
5. What is Discourse Analysis? , www.eamonfulcher.com
6. Van Dijk, Teun A; Discourse as social interaction, sage, 1997